**راه دفاع از کارگران ومعلمان زندانی اعتصاب غذا نیست!**

بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی موج گسترده ای از حمایت وهمبستگی نهادها و فعالین جنبش کارگری، جنبش معلمان، بخشهائی از پرستاران و زندانیان سیاسی را بدنبال داشته است. آخرین رویداد در این رابطه انتشار بیانیه ای با امضای ٣٥٧ نفر از معلمان است. این بیانیه اعتراضی است علیه "مرگ عدالت در این سرزمین"، و اعتراض " به همان مواردی که جناب بهشتی و جناب عبدی در اعتراض به آنها در اعتصاب غذا هستند."

باید امیدوار بود و کوشید که انتشار بیانیه ٣٥٧ نفر از معلمان معترض" سرآغاز انتشار تومارهای طویل تر و با امضاهای بیشتری از جانب کارگران و معلمان و فعالین مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و فعالین دیگر جنبشهای اعتراضی و مدنی باشد.

امضا کنندگان تومار همچنین اعلام کرده اند در روزهای ١٣ و ١٤ اردیبهشت در حمایت از معلمان زندانی دست به اعتصاب غذا خواهند زد. خواست آزادی معلمان زندانی، اعتراض به "مرگ عدالت "، و اعتراض به مواردی دیگری که در بیانیه عظیم زاده - عبدی و کیفرخواست بهشتی عنوان شده یک اقدام اعتراضی بجا و پیشرو و موثر است اما اعتصاب غذا روشی پیشرو و قابل حمایت نیست. اهمیت حرکت کارگران و معلمان زندانی نه در اعتصاب غذا بلکه در بیانیه اعتراضی و خواستهائی است که اعلام کرده اند. اعتصاب غذا حتی در زندان قابل تایید نیست اما اگر در هر حال بخاطر محدودیتها و فشارهائی که در زندان وجود دارد روی آوری زندانیان به این شیوه تا حدی قابل درک باشد، در خارج از زندان این حرکت هیچ ضرورت و موضوعیت و توجیهی ندارد. راه درست و تعرضی و اصولی و موثر دفاع از کارگران و معلمان زندانی و خواستهای برحقشان اعتصاب و تجمع و تحصن و همین جمع آوری امضا و انتشار تومارهای اعتراضی و مطالباتی است و نه روش خودزنانه و دفاعی اعتصاب غذا. نه تنها نباید اعتصاب غدای زندانیان را به خارج از زندانها بسط داد بلکه باید تلاش کرد با سازماندهی یک جنبش متحد و موثر در دفاع از کارگران و معلمان دربند و تحقق خواستهایشان اعتصاب غذای این عزیران نیز هر چه زودتر پایان یابد.

**ایران، عربستان و "مشکل اینترنت"!**

"روحانیون سنتی و محافظه کار ایران و نهادهای مذهبی وهابی در عربستان که قرار است با هم اختلافات مذهبی داشته باشند، هر دو نگران تاثیرات اینترنت بر جامعه هستند. ...

حکومت شیعه ایران و نظام وهابی عربستان سعودی اگرچه در عرصه سیاست خارجی رقیبان یکدیگر به شمار می‌روند، اما به گزارش مؤسسه استراتفور هر دو حکومت در عرصه داخلی با مشکل مشابهی روبرو هستند و آن کنترل اپوزیسیون داخلی و اینترنت است. "

سایت رادیو فردا

این تنها مشابهت بین عربستان سعودی و جمهوری اسلامی نیست. وجه تشابه اصلی این دو رژیم اسلامی تحمیل قوانین و اخلاقیات مافوق ارتجاعی مذهبی بر جامعه است و دقیقا بخاطر نقش اینترنت، و بعبارت بهتر استفاده مردم از اینترنت، در بچالش کشیدن اسلام حاکم است که حکومتهای مذهبی این دو کشور از تاثیرات اینترنت در جامعه احساس خطر میکنند. در ادامه این گزارش آمده است:

"در ایران هزاران وبسایت با این استدلال که “ضداسلامی” هستند فیلتر می‌شوند و بسیاری از برنامه‌ها یا شبکه‌های ارتباطی به بهانه این که از نظر فرهنگی مخرب هستند، ممنوع می‌شوند و در عربستان هم بسیاری از سایت‌ها به خاطر نگاه محافظه کارانه اجتماعی فیلتر می‌شوند."

اما علیرغم همه این فیلتر کردنها و محدودیتها دامنه وبسایتها و فیسبوکها و کانالهای ضد اسلامی مدام در حال افزایش است و از دست ارتجاعیون حاکم نیز کار چندانی ساخته نیست. این واقعیت که در ایران تلگرام بیش از بیست میلیون، یعنی حدود یک پنجم کاربران در کل دنیا، کاربر دارد نشاندهنده ناتوانی حکومت در کنترل اینترنت و چالشها و اعتراضات و مبارزاتی است که از طریق اینترنت در جامعه شکل میگیرد.

گزارش رادیو فردا به اختلافات حکومت شیعه در ایران و نظام وهابی در عربستان اشاره میکند اما اساس مساله، نه در سیاست خارجی و نه در سطح داخلی، اختلاف بین شاخه های مختلف اسلام نیست. جمهوری اسلامی و آل سعود نه بخاطر اختلاف بین تشیع و وهابیت بلکه اساسا برای گسترش نفوذ خود در منطقه دشمن و رقیب یکدیگر اند. تا آنجا که به سیاست داخلی و رابطه آین دو حکومت ارتجاعی با جامعه مربوط میشود نیز مساله بر سر تشیع و وهابیت نیست. از نظر توده مردم تحت سلطه این حکومتها این دو فرق چندانی با هم ندارند. نقض پایه ای ترین حقوق شهروندان بویژه زنان و لگدمال کردن هر نشانه ای از آزادی و انسانیت وجه مشترک این دوحکومت مذهبی است. رهائی مردم ایران و عربستان و کل منطقه در گرو جارو کردن بساط حکومتها و نیروهای اسلامی از کل منطقه است و یکی از ابزارهای موثر در این مبارزه همچنانکه تجربه انقلابات بهار عرب نشان داد، اینترنت و مدیای اجتماعی است.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| |  |  | | --- | --- | | |  | | --- | | **اول مه و خواست لغو اتهام "اخلال در امنیت"**  یک خواست مهم در قطعنامه کارگران سنندج بمناسبت اول مه "لغو اتهام اقدام علیه امنیت ملی و دیگر اتهامات امنیتی برای فعالان کارگری ومعلمان و سایر اصناف" است. این یکی از خواستهای اعلام شده در بیانیه عظیم زاده - عبدی است که در تومار ٣٥٧ معلم در حمایت از معلمان زندانی نیز مطرح شده است.  "اخلال در امنیت" بهانه و پاپوش قانونی است که اساس پرونده سازیهای حکومت علیه کارگران و معلمان وهمه زندانیان سیاسی را تشکیل میدهد. جمهوری اسلامی، مانند همه دیکتاتوریهای سرکوبگر، هر تلاش و اعتراض کارگران ومعلمان و سایر بخشهای جامعه دردفاع از حقوق پایه ای خود را "اخلال در امنیت ملی" میخواند و با تعقیب و بازداشت و زندان و شکنجه و اعدام پاسخ میدهد. خواست پاک کردن این اتهام از پرونده ها در واقع دفاع از حق آزادی بیان و اعتصاب و اعتراض در جامعه است. کارگران همواره در مبارزات و اعتراضاتشان از جمله در اول ماه مه ها از آزادی تشکل و اعتصاب و آزادی کارگران زندانی دفاع کرده اند. امروز حذف اتهام اقدام علیه امنیت ملی از پرونده زندانیان سیاسی در ادامه این خواستهای همیشگی کارگران و بعنوان یک جزء مکمل آن مطرح میشود. این یک خواست مشخص و فراگیر است که بهانه و توجیه قانونی حکومت نه تنها در نقض حق اعتصاب و تشکل بلکه پایمال کردن کلیه آزادیهای سیاسی ومدنی از جمله آزادی بیان و عقیده و مطبوعات وکل پرونده سازیها و پاپوش دوزیهای حکومتیها علیه آزادیخواهان را هدف گرفته است. این خواست پایه ای میتواند و باید به خواست همه فعالین جنبش ای اعتراضی در ایران تبدیل بشود. | | |
|  |
|  |
|  |